

۲۱ ۵۲ ۷۴۷

به نام خداوند جان و خرد

مانوی شعر من

اسماعیل، ج ۱ - بیان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

۱۳۹۹

سرشناسه : حاجی‌علیان، اسماعیل، ۱۳۵۷-
 عنوان و نام پدیدآور : بانوی شعر من / اسماعیل حاجی‌علیان.
 مشخصات نشر : آرادان: انتشارات استوناوند، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۰۸ص:؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
 شابک : ۵-۰-۹۵۶۵۶-۶۲۲-۹۷۸: ۲۲۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع : شعر فارسی- قرن ۱۴
 موضوع : Persian poetry- 20 th century :
 وابستگی : PIR۸۳۴۱ :
 رده بندی : ۸۱۶۲/۶۲ :
 شماره ثبت اسامی : ۶۲۱۰۵۸۱ :

شناسنامه

بانوی شعر من
 اسماعیل حاجی‌علیان
 ناشر: استوناوند

چاپ نخست، ۱۳۹۹

شابک: ۵-۰-۹۵۶۵۶-۶۲۲-۹۷۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: محمدتقی رهبری فرد

طرح روی جلد: سمیرا جمشیدی

چاپ و صحافی: پیدایش

قیمت: بیست و دو هزار تومان



استوناوند

آرادان

تلفن: ۰۹۱۰۲۲۲۱۱۰

فهرست

۱	مقدمه.....
۲	بوی نیلوفر.....
۴	دل شوره.....
۵	وفادار.....
۶	پای عشق.....
۷	خفته دم.....
۸	گلبوسه.....
۹	جا و مکان.....
۱۰	جور زمان.....
۱۱	چه کنم؟.....
۱۲	آمده‌ای.....
۱۳	خدا.....
۱۴	بانو جان.....
۱۵	اینجا.....
۱۶	نمی‌بینم.....
۱۷	حسرت عشق.....
۱۸	شاه بیت غزل.....
۱۹	بهشت.....
۲۰	می‌روم.....
۲۱	بس.....
۲۲	در دل.....
۲۴	شهر عشق.....

۲۵.....	آرامش جان.....
۲۶.....	نگاهت.....
۲۸.....	بخواند.....
۲۹.....	کتمان.....
۳۰.....	زلف سیاه.....
۳۲.....	نمی خواهم.....
۳۳.....	جنس احساس.....
۳۴.....	قدرت اعجاز.....
۳۵.....	عکس تو.....
۳۶.....	برکت عشق.....
۳۷.....	ممن.....
۳۸.....	مست و شیدا.....
۴۰.....	نگاه گیر.....
۴۲.....	قانون.....
۴۴.....	بانو.....
۴۶.....	آهوی من.....
۴۷.....	دلهم.....
۴۹.....	خواندمت.....
۵۰.....	روزهای تلخ دوری.....
۵.....	سر و سامان.....
۵۳.....	مال من باشی.....
۵۵.....	عشق دلت.....
۵۷.....	مطلع اشعار.....
۵۹.....	خنده مستانه.....
۶۰.....	دیدم.....
۶۱.....	لیلای پراحساس.....
۶۲.....	چشمان غزل خوان.....

- ۶۴..... جشن شیدایی
- ۶۶..... می خواهد
- ۶۷..... چشمان فریبا
- ۶۸..... بستوی دلت
- ۶۹..... ماه من
- ۷۰..... مرامت
- ۷۱..... باش با من
- ۷۳..... باید که
- ۷۴..... مریم ترین مریم
- ۷۶..... آن تر
- ۷۸..... ا که
- ۸۰..... همپا
- ۸۱..... غوغا می کن
- ۸۲..... مهمان غزل
- ۸۴..... مرا ببخش
- ۸۵..... نزن
- ۸۶..... آرامم نکرد
- ۸۷..... خدا هم
- ۸..... گوش بده
- ۹..... باورت نشد
- ۹۲..... نرو
- ۹۴..... دستان دلم
- ۹۵..... این چنین عاشق شدن
- ۹۶..... نامت
- ۹۷..... میشنگی
- ۹۹..... اختیار روزگار
- ۱۰۰..... شاعر چشمان خمار

همیشه با خودم می‌گفتم چقدر خوب است از بانوی شعرم چیزی بگویم که در خفا احساسش باشد، زیبایی هایش را نقاشی کنم، در عالم رؤیاهایم عطر گلزار مونسش ببویم، یک روز موهایش را ببافم و یک روز هم موهایش را باز کنم تا بر نسیم عطر و بویش همه جا را پر کند ... چشم هایش را یک بار آبی بکشم مثل دریا و غرق شوم در عمق چشمانش. یک بار هم مثل چشمان اهو مست و گیرا بکشم، همیشه با خودم گفتم از بانوی شعرم عاشقانه تر بگویم، دست هایش را بگیرم در دشتی سبز و وسیع با او هم قدم شوم ... برایش شعر بنویسم و برایم دلبری کند. ... در دنیایی که زن و احساسش را جور دیگری می‌بینند می‌خواهم از عشق و احساسش بگویم ... بانوی شعرم را درست دارم. شعرهایم را از احساس زن می‌نویسم تقدیم می‌کنم به تمام بانوان با احساس سرزمینم ... تقدیم می‌کنم به بانوی شعرم